

جنگ آلمان و شوروی

۱۲ - حمله زمستانی روسها

در آغاز سال ۱۹۴۲ وضع جنگ در جبهه خاور رفته رفته تغییر مییافت حمله متقابل روسها در مدت سه هفته بتدریج رو بموفقیت مینهاد و اگر چه در طول این مدت تغییر کلی در وضع طرفین ایجاد نگردید معینا کاملاً مشهود بود که جنگ بطور کلی حالت دیگری بخود گرفته است. از طرف دیگر در رفتار آلمانیها هم تغییر کلی آشکار بود. پس از عدم موفقیت حمله دوم ارتش آلمان بسوی «مسکو» آلمانیها بهیچوجه قادر بعمل نموده و نمیتوانستند در مقابل فشاری که از اول اکتبر بر آنها وارد آمده بود پایداری نمایند.

بنابراین «هیتلر» سران لشکر او در این موقع مجبور بودند یا بهمان خطی که در اول ماه سپتامبر در دست داشته و در مسافت زیادی در عقب جبهه قرار گرفته بود دستور عقب نشینی دهند و یا در موضع خود پایداری نمایند تا وضع هوا اجازه حمله مجدد بمسکو را بدهد.

از طرفی بواسطه سرمای سخت زمستان و از طرف دیگر بواسطه آن که در عرض ده هفته اخیر فشار زیادی بر خطوط ارتباطی عقب جبهه آنان وارد آمده بود شق اول یعنی عقب نشینی مائند عقب نشینی ناپلئون در ۱۸۱۲ منجر بکنای ارتش آلمان میشد. «کلاوزویتس» که خود ناظر جنگهای ناپلئون بود گفته بود که در موقع عقب نشینی جاده ها از نقطه نظر عرض باید دو برابر و در روسیه سه خصوص سه برابر گردد. باین واسطه آلمانیها چاره ای جز پایداری در موضع خود نداشتند و برای این منظور بساختن مناطق دفاعی و استقامت در این نقاط تافرا رسیدن فصل بهار پرداختند و در عین حال از تجربه سال ۱۸ - ۱۹۱۷ خود استفاده نموده نقاط مستحکم دفاعی مجزا تشکیل دادند. سازمان دفاعی آلمانیها تشکیل میشد از مخازن مهمات و خواربار که از آنچه در برخی نقاط برای حمله بمسکو در سال ۱۹۴۱ تهیه دیده بودند وسیعتر بود. این مخازن طبیعتاً در مراکز مهم و محل

تقاطع راه آهن ها از قبیل «خار کف»، «کورسک»^(۱)، «اورل»^(۲)، «بریانسک»^(۳)، «ویازما»^(۴)، «رژف»^(۵)، و «استارایاروسکا»^(۶) قرار گرفته بود. در هر یک از این مخازن مقدار مهمات و خواربارها آن حد که بتوان نیروی شگرفی را برای مقاومت در سراسر زمستان نگاهداری نمود تهیه شده بود. در هر یک از این مراکز که چندین میل مربع وسعت داشت از ۲۵۰،۰۰۰ تا ۲۵۰،۰۰۰ سرباز وجود داشت که شامل یک لشکر رزه پوش و گاه دارای دویا سه فرود گاه بود بعضی از این مراکز آن قدر وسیع بودند که میتوان آنها را مناطق دفاعی نامیده نه مراکز دفاعی. مابین مناطق دفاعی نقاط دفاعی کوچکتری قرار گرفته بود که گاه بکوچکی یک دهکده میرسید بطور کلی سازمانی که آلمانیها تشکیل داده بودند طوری بود که میتوانست

هم در مقابل حمله قوی مقاومت نموده و هم خود بحمله بزرگی اقدام نماید چون طول جبهه بینهایت زیاد بود نیروی هوایی برای پاسبانی این نقاط عهده دار وظیفه مهمی بود زیرا فواصل بین نقاط دفاعی بلا دفاع بوده و چنین فرض شده بود که بعلت وجود برف عبور از آنها غیر ممکن است. باید در نظر داشت که سختی زمستان روسیه از لحاظ سرمای مداوم نیست بلکه بیشتر بجهت وزش باد سرد شمال خاوری است که اغلب جیوه گرما سنج را ممکن است در مدت کمی بچندین درجه زیر صفر تنزل دهد لکن از طرف دیگر این باد هابرف را آنقدر سخت میسازند که از خطر آن میکاهند بنابراین آلمانیها در موقع طرح نقشه دفاعی بیشتر بکمی راه آهن و مشکلات طبیعی از قبیل جاده های پوشیده از برف و غیره اعتماد نموده بودند.

بادقت و صحت عملی که مخصوص آلمانیهاست مراکز دفاعی طوری تهیه شده بودند که میتوانستند مستقلا عمل نمایند. برای آنکه از خطر فرود چتر باز در پشت مراکز دفاعی جلوگیری شود ناگزیر بودند بایجاد وسائل دفاعی بشعاع معینی بپردازند. از وجود واحدهای بزرگ ذخیره در عقب جبهه برای وارد آوردن حملات متقابل در صورت حمله روسها برخلاف معمول سال ۱۹۱۷ اثری نبود. ظاهرا فرماندهی کل ارتش آلمان تصور مینمود که حمله روسها در ماههای سرد ژانویه و فوریه خاتمه خواهد یافت. این سیستم دفاع را «دفاع خاربشتی» مینامیدند در حقیقت همان تاکتیکی بود که در قرون وسطی

۱-Kursk ۲-Orel ۳-Bryansk ۴-Vyazma ۵-Rzhev

۶-Staraya Russka

سربازان اطریش و آلمان بکار می‌بستند و در جنگ «واترلوه» و «سودان» نیز بکار رفته است بدین معنی که پیاده نظام را بشکل مربع در آورده بدفاع می‌برداختند. این نوع دفاع آلمانیها شامل چند مزیت موقت بود: اول افراد آلمانی میدانستند که فقط در این نقاط مستحکم است که خواهند توانست در مدت زمستان سخت روسیه خواربار و وسائل حرارت بدست آورند و بهمین جهت برای از دست ندادن آن‌ها بایستی تا آخرین نفس دفاع نمایند. دوم برخی از این مناطق طوری بودند که میتوانستند بوسیله هواپیما خواربار و حتی نیروی کمی دریافت نمایند. سوم این قبیل مناطق که دارای وسعت زیادی بودند باندازه ای خواربار و وسائل لازم داشتند که امید میرفت مدافعین آنها بتوانند در آغاز بهار بحمله بپردازند و در عین حال لشکرهای زره پوشی که در این مناطق بودند میتوانستند براحتی تحت تعمیر قرار گرفته و مهیای کارزار گردند.

این بود ظاهراً برنامه زمستانی آلمانیها و چون روسها در ماه دسامبر سختی در برف پیشرفت نموده و پیشروی آنان مخصوصاً پس از اشغال «تیکوین» (۱) با کندی مواجه گشته بود لذا چنین بنظر میرسید که آلمانیها خواهند توانست زمستان را با سلامت در مناطق دفاعی خود بسر برند. لکن این بازنیز آلمانیها در محاسبه ظرفیت جنگی و توانائی روسها دچار اشتباه شده بودند.

حال طرف دیگر را مورد بررسی قرار دهیم ظاهراً چنین تصور میرفت که در آغاز جنگ فرماندهی کل ارتش سرخ مصمم بتشکیل چهار گروه ارتش گردیده بود. اول گروهی که مأموریت داشت در مقابل تهاجم آلمان بخاک شوروی مقاومت نماید. دوم گروهی که باید برای حمله متقابل مهیا باشد. سوم گروهی که برای جنگهای زمستانی تربیت و مهیا شده بود. چهارم گروهی که در ذخیره نگه داشته شده بود. افراد گروه اخیر اغلب نیمه مسلح ولی دارای سازمان کامل بودند. در اوایل یا اواسط ژانویه چنین بنظر میرسید که گروه اول و دوم تقریباً از بین رفته و باقیمانده آنها قادر به هیچگونه عملیاتی نیست باینجهت گروه سوم که برای عملیات زمستانی مهیا شده بود بمیدان جنگ فرستاده شد و بار نبرد بیشتر بردوش گروه ارتشی که در ماههای ژانویه، فوریه و مارس مشغول بیکار بود تحمیل شد.

قلمه تقابله روسهار و جنبه لنین گراد



کتابخانه عمومی دانشگاه تهران



در بین این گروه ها لشکر های قزاق وجود داشت که بلحاظ عدم توانائی مقاومت در مقابل واحدهای زره پوش آلمان هنوز وارد جنگ نشده بودند. چون روسها هنوز نسبت به واحدهای سوار و فوآند آن در مواقع مخصوص ایمان داشتند لذا نه تنها نگاهداری آن ها را پیش بینی نموده بودند بلکه از سال ۱۹۴۰ بعد بتقویت آن ها پرداختند. لشکر های قزاق بوسیله افزوده شدن توپ و حتی زره پوش بی نهایت تقویت شده و بعلاوه دارای گردانهای اسکی باز و پیاده نظامی که بوسیله کالسکه برفی حمل میشد نیز بودند. این کالسکه ها بوسیله اسب یا زره پوش حمل میشدند. توپخانه لشکر های مزبور بسا وسائل مخصوص روی برف حمل میشد و توپهای سبک آن در یک نوع زره پوش برفی موسوم به ولو کوشا^(۱) قرار داشتند که سرعت برخی از آنها ۶۰ میل در ساعت بود. بالاخره در لشکر های قزاق واحدهای مهندس که مخصوصاً برای عملیات زمستانی تربیت شده بودند وجود داشت. وظیفه اصلی این واحدها پاك کردن جاده ها، انداختن درخت و شکستن یخ رودخانه بود.

ضعف این واحدها در این بود که نمیتوانستند توپهای سنگین بسا خود حمل نمایند تا بتوانند در مقابل آلمانها که در برخی از نقاط توپهای سنگین قرار داده بودند مقاومت نمایند. با اینوصف روسها تجربیات جنگ زمستانی را مورد استفاده قرار دادند. مثلاً سطح رودخانه ها و دریاچه های منجمد را فرودگاه قرار دادند و به هواپیما های خود اسکی و بزره پوش ها کفشک های مخصوص عبور از روی برف وصل نمودند. لکوموتیوها و ماشینهای آنها بخوبی میتوانست در مقابل سرمای زمستان مقاومت کند چنین بنظر میرسد که آلمانها فاقد این قبیل پیش بینی ها بوده و این قبیل تجربیات را پس از دادن تلفات سخت بدست آوردند.

وضع هوا مانع استعمال ارابه های جنگی در هر دو طرف میشد و چون عملیات جنگی در زمستان ممکن نیست پیوسته و بدون مکث انجام گیرد لذا بتحقیق نمیتوان گفت که هر یک از طرفین تا چه اندازه بسازمان کامل نیروی خود اعتماد داشت. از طرف دیگر هیچگونه اطلاعی راجع بفرماندهائی که عهده دار فرماندهی بودند در دست نبود. اعلامیه رسمی روسها اگر چه نام برخی از

فرماندهان را ذکر نموده بود مع هذا از این انتشارات اطلاعات مفیدی بدست نمیآید. در طرف آلمانیها هم وضع تقریباً از همین قرار بود.

چون وضع طرفین متخاصم در سراسر زمستان چنین بود و از طرفی سرمای سخت روسیه مانع عملیات بزرگ میشد یعنی استعمال توده های بزرگ از لحاظ اشکال در حرکت و سائل نقلیه غیر ممکن بود لذا جریان عمل در مدت سه ماه زمستان آنقدر بود که پیش بینی شده بود. در نقشه دفاعی آلمانیها راه آهن اهمیت زیادی بخود گرفت. خطوط آهن برای رسانیدن نیرو و بنقاطی که ممکن بود مورد تهدید قرار گیرد ارزش استراتژیکی فوق العاده ای یافت. آلمانیها دارای دو خط آهن بودند: یکی خط «تاگانرگ» (۱) - خارکف کورسک - بریانسک - رژف، بسوی «لنینگراد» و دیگری که با اهمیت اولی نمیرسید خط «خرسن» (۲) - گومل (۳) - ویتبسک (۴) - از «ویتبسک» خط دیگری بسوی دریایچه «پیپوس» (۵) امتداد داشت. روسها همانقدر که کوشش مینمودند مراکز دفاعی آلمانیها را از بین ببرند بهمان اندازه هم در قطع اینگونه وسائل ارتباطی دقت مینمودند. البته برای انجام این عمل توده های زیادی از نفقات و مواد جنگی لازم بود که آنها هم بعلت بدی خطوط مواصلاتی و بسبب بالاشکال مواجهه میکردید.

نتیجه این شد که روسها عکس تاکتیک آغاز جنگ آلمانیها را بمورد عمل گذاردند. یعنی عوض آنکه بنقاط مختلف جبهه دشمن بفواصل زیاد حملات «برق آسا» نمایند در طول یک جبهه طولانی در نقاطی که مرکز دفاعی آلمانیها را ضعیف مینمایند آهسته شروع به پیشروی مینمودند. چنین بنظر میرسید که این نوع حمله که در پی آن لشکرهای قزاق و سربازان مخصوص جنگ زمستانی وارد پیکار میشدند نتایج خوبی بدست میداد البته روسها ابتدا مراکز اصلی دفاع آلمانیها را از یکدیگر مجزی ساخته و بعداً پس از آوردن نیروی کافی آنها را درهم میشکستند. این طریقه مخصوصاً در قسمت جنوبی دریایچه «ایلمن» مابین این دریایچه و مرکز دفاعی آلمانیها در «رژف» نتیجه بینهایت مطلوبی بخشید. چون موفقیت در این نقطه خیلی زود و سریعتر از سایر نقاط

بدست آمد روسها بر آن شدند که مرکز دفاعی آلمانیها در «ستارایاروسا» رادرهم شکنند اگرچه گفته شده است که آلمانیها دراین نقطه بدام افتادند معینا این موضوع خالی از حقیقت است و چون ارتش شانزدهم آلمان دراین نقطه استقرار یافته بود لذا روسها در نتیجه پیشروی خود طبیعتاً موفق بمحاصره آنان گردیدند .

در هر صورت نبرد هوایی سختی دراین نقطه بوقوع پیوست که در طی آن آلمانیها کوشش میکردند بوسیله نیروی هوایی یادگان خود را تقویت نموده حتی زخمی هارا بوسیله هواپیما نجات دهند . در سایر نقاط اقدام موثری برای پیشروی نسبت بمراکز دفاعی آلمانیها بعمل نیامد مگر در «موژایسک» شکی نیست که اشغال این شهر بوسیله آلمانیها «مسکو» رامورد تهدید دائمی قرار میداد و از اینرو روسها در صدد برآمدند که این مایه تهدید را از میان بردارند و در این اقدام هم موفقیت حاصل نمودند . در اثر سقوط «موژایسک» جبهه آلمانیها بنقطه دورتری از «مسکو» انتقال یافت از طرف دیگر چون فرماندهی ارتش سرخ دفاع مناطق شمالی و جنوبی را نسبت بخط پیشروی در امتداد «مینسک» - «اسمولنسک» - «مسکو» ضعیف یافت بوارد آوردن فشار پرداخت . اگرچه برخلاف طرز عمل آلمانیها در ۱۹۴۱ روسها به پیشروی آهسته و پیاپی کردن نقاط کوچک دفاعی پرداختند معذالک سرانجام نتیجه تا کتیکی عملیات روسها و آلمانیها یکی بود یعنی عملیات جنگی هر دو طرف متعجب بمحاصره نقاط دفاعی میگردد منتها آلمانیها این عمل را بوسیله حملات برق آسای نیروی زره پوش انجام میدادند در صورتیکه روسها بواسطه مشکلات زمستانی به پیشروی آهسته قانع بودند .

بدین دلیل روسها اغلب در اعلامیه های نظامی خود به فلان دهکده یا فلان مرکز دفاعی و غیره اشاره مینمودند البته اغلب این دهکده ها و مراکز دفاعی بکلی اشغال نشده و فقط در تحت محاصره ارتش سرخ قرار میگرفتند . بطور خلاصه وضع جنگ در سه ماهه زمستان در جبهه روسیه از قرار بالا بود و شرح مفصل جنگ نه تنها دشوار بلکه بجهت یکنواخت بودن بینهایت کسل کننده میباشد . از طرف دیگر اعلامیه های طرفین بهیچوجه کمکی راجع به روشن ساختن موضوع نمی کند با اینوصف چنانچه جریان حوادث

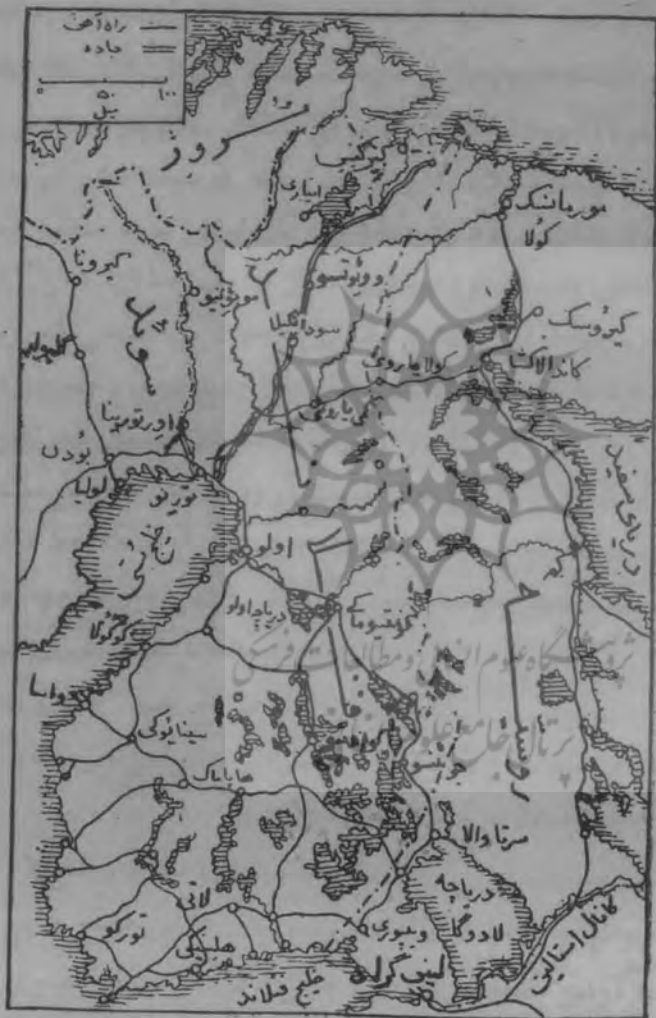
را با دقت بیشتر و از نزدیک مورد بررسی قرار دهیم ممکن است موفق به کسب اطلاعات بیشتری گردیم.

باید در نظر داشت که کمیابی راه آهن و جاده شوسه در روسیه بطور است که نمیتوان آنرا با سایر نقاط مقایسه نمود و بدیهی است اهمیت مسافت در کشور پهنای روسیه از کشورهای کوچک (مثلاً انگلستان) به مراتب بیشتر است.

طول جبهه خاوری در ژانویه ۱۹۴۱ بین دریای بالتیک و دریای سیاه، سه برابر طول کشور انگلستان بود و در سراسر این جبهه طولانی که میتوان آنرا به منطقه تقسیم نمود وضع هوا کاملاً یکسان نیست مناطق سه گانه مزبور عبارتند از: «اوکرانی، مسکو و لنین گراد» در هر یک از مناطق آلمانیها تقریباً سه مرکز دفاعی بزرگ در یک امتداد تشکیل داده بودند که هر یک رویهم رفته از ۵۰۰،۰۰۰ نفر تشکیل میشد. برای نگاهداری سایر قسمتهای هر منطقه در حدود یک میلیون نفر از قرار هزار نفر در هر کیلومتر و یا یک نفر در هر متر حاضر داشتند لکن چون دفاع در عمق و محافظت خطوط آهن نهایت اهمیت را داشت فواصل پادگانهای مهم اغلب از ۳۰۰ تا ۸۰۰ میل بود. بساین ترتیب روسها موقعیت خوبی برای از بین بردن نقاط کوچک و ضعیف داشتند و قدرت حمل و روسها فقط بستگی بسرعت عمل و توانائی آنها در حمل آلات سنگین جنگی داشت.

از طرف دیگر جنگ زمستانی روسیه را میتوان به سه مرحله تقسیم نمود: مرحله اول موقعیکه سرما و برف شدت نهاده بناد های سخت شروع بوزیدن مینماید بدون آنکه برف چندانی بیارد. بطور خلاصه مرحله اول مرحله ایست که صرف نظر از ورودت هوا عملیات نظامی بهیچوجه با موانع بزرگی مواجه نمیکردد.

مرحله دوم موقعیست که برف بشدت باریده و در نتیجه عملیات نظامی معمولی بکلی متوقف میگردد و حملات سخت نمیتواند با سرعت بمورد عمل گذارده شود. سوم موقعیکه روزها طویلتر شده نزدیکی بهار کاملاً محسوس و شبهای سرد روزهای ملایمی را در عقب دارد. در ماه آوریل برفها رفته رفته آب و کلیه زمینها از گل پوشیده میشود. آب رودخانه ها طغیان نموده و تخته های یخ کم کم محو میشود. از اینرو میتوان فهمید که آلمانیها چگونه



جبهه شمالی



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پس از شروع حمله متقابله روسها امیدوار بودند که با آمدن برف حملات آنان متوقف گردد. لکن برخلاف انتظار آلمانیها حملات روسها بهیچوجه متوقف نگردید. در ماه ژانویه موقعیکه برف رو بشدت نهاده بود واحدهای تازه شوروی که ملبس بلباس مخصوص و دارای تجهیزات ویژه ای بودند ظاهر شدند. در روزهای اول ژانویه موقعیکه سازمان ارتش آلمان در نتیجه خستگی پس از حمله بمسکو دچار اختلال گردیده و روحیه افراد آن در اثر سرماضعیف شده بود روسها توانستند مخصوصاً در جبهه «مسکو» پیشرفت قابل ملاحظه ای نمایند. در روز دوم ژانویه ارتش سرخ موفق باشغال «مالویار و سلاوتز» (۱) و دو روز بعد توانست «باروسک» (۲) را تصرف نماید. در سراسر ماه ژانویه ارتش سرخ پیوسته مشغول پیشروی بود و فرماندهی کل ارتش سرخ منظور اصلی خود را که آزاد ساختن «مسکو» بود بزودی آشکار ساخت خط ارتباطی آلمانیها مورد حمله سخت روسها قرار گرفت و نخستین و مهمترین اقدامی که روسها مجبور با اجرای آن بودند تقلیل دادن فشار آلمانیها از جهت شمال و جنوب باختری «مسکو» بود خط آهن بین «مسکو» و «ریگا» رفته رفته اشغال شد تا اینکه روسها بالاخره یکصدمیل از آنرا دوباره بدست آوردند. مرکز دفاعی مستحکم آلمانیها در «رژف» بتدریج از سایر قسمتها مجزی شد تا اینکه خط ارتباطی آلمانیها با این نقطه منحصر به خط جنوب گردید. اقدام بعدی روسها عبارت بود از اجرای عمل گداز آبرگی در دو جهت «اسمولسک» از طرف شمال و جنوب در «جیب» هائی که بدین ترتیب تشکیل میگردد دید آلمانیها فقط توانستند علاوه بر «رژف» دو مرکز دفاعی مهم «گراسک» (۳) و «ویازما» (۴) را در تصرف خود نگاه دارند لکن «موژایسک» بالاخره بوسیله روسها مابین ۲۰ و ۲۲ ژانویه دوباره اشغال گردید. در مسافت بین «رژف» و «ستارایا روسا» واقع در کنار دریاچه «ایلمن» روسها پیشرفت فوق العاده ای نمودند. در این موقع چنین بنظر میرسید که روسها در این نقطه خود را در «جیبی» گرفتار نموده اند ولی البته نه بآن وضعی که آلمانیها در جبهه «مسکو» گرفتار شده بودند. در پایان ماه روسها از رودخانه «دونتز» شروع بحمله مجددی نمودند و در این جبهه موفق

شدند خود را بمرکز خط آهن «لوزو وایا»^(۱)، و بخاور «بارونکوو»^(۲) برسانند . در شمال یعنی در ناحیه «لنینگراد» زمستان موجب شد که حملات آلمانیها تقلیل یابد لکن از نقطه نظر روسها این تقلیل کافی نبود زیرا «لنین گراد» مولد قسمت مهمی از ادوات جنگی روسیه بود و چون آلمانیها «شلوسلبورگ»^(۳) واقع در سمت خاور شهر و کنار دریاچه «لادوگا» را اشغال نموده بودند در حقیقت شهر بکلی محاصره شده بود این موضوع اهالی «لنین گراد» را راجع بکمی مواد خواربار سخت در تشویش انداخت در حالیکه فرآورده های کارخانه های آنان نمیتوانست بقسمتهای دیگر روسیه راه یابد . از اینرو در صد چاره برآمده در اواخر ماه دسامبر شروع بساختن جاده موتور رود روی یخهای رودخانه «لادوگا» که از میدان تیر آلمانیها واقع در «شلوسلبورگ» دور بود نمودند ساختمان این جاده پس از ماه ژانویه پایان یافت و رفت و آمد وسائل باربری در آن بتعداد فوق العاده زیادی رسید .

هر قدر سرمای زمستان سخت تر میگردد فشار وارد بر اهالی «لنین گراد» فزونی مینماید در حالیکه تولید فرآورده های صنعتی بعلت فقدان مواد خام هر لحظه بیشتر دچار اشکال میشد بطور خلاصه وضع شهر هر آن رو بسختی بیشتری مینهاد یکی از روزنامه های انگلستان در این باره چنین نگاشت :

« جمعیت سه ملیونی لنین گراد هر روز بواسطه هجوم پناهندگان « بیشتر میشد . در ماههای دسامبر، ژانویه و بخشی تا اواسط ماه فوریه ارتباط « لنین گراد» باندنای خارج قطع شده بود . مواد سوختی کمیاب و چون « لوله های آب در اثر یخ بندان و بمباران های هوایی آسیب دیده و پنجره ها « شکسته شده بود زندگانی در این نقطه از دنیا بعلت شدت سرما طاقت فرسا « بود تعداد متوفیات مخصوصاً بین اشخاص سالخورده فوق العاده زیاد بود لکن « اهالی شهر مصمم بودند که تا آخرین نفر جنگ را ادامه داده تن به تسلیم در « ندهند علاوه بر این اشکالات توپخانه و هواپیماهای آلمانی مرتباً مشغول تیر « اندازی و بمباران بودند .

بالاخره پاداش پافشاری و استقامت اهالی شهر این بود که در ماه فوریه سرانجام ارتباط شهر با خارج از راه جاده « لادوگا » برقرار گردید .
 برای آنکه از شیوع امراض واگیردار جلوگیری شود موقعیکه برفهای آب شده خیابانهای شهر را فرا گرفته و مجرای فاضل آب از کنار افتاده بود رؤسای مربوطه کلیه اهالی شهر را برای مبارزه با شیوع این قبیل امراض مجهز نمودند .

جاده روی یخ دریاچه در حقیقت شهر را نجات داد .

در حدود سه ماه کامیونهای حامل خواربار وارد « لنین گراد » گردیده مواد جنگی بخارج میبردند و در طول این مدت جاده ها آنقدرها مساعد نبود قسمتهای برجسته یخ در روی جاده ها اغلب محتاج بتسطیح بود و کوه‌دالهای ایجاد شده میبایستی پر شوند . تلفات در اثر تصادم و فرورفتن وسائط نقلیه در دریاچه بی اندازه زیاد بود . رفت و آمد تقریباً تا اواخر ماه آوریل یعنی موقعیکه عبور در اثر آب شدن یخها خطرناک شده بود ادامه داشت .

نام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی